



قصه‌هایی برای بیداری

<جلد ۱ و ۲>

موضوع : داستان‌های کوتاه-کلمات قصار

مؤلف : کاظم جعفری

تعداد صفحات : ۱۰۲-۱۳۸

" قصه‌ها برای بیدار کردن ما نوشته شده‌اند اما تمام عمر برای خوابیدن از آنها استفاده کرده ایم "

در مقدمه این کتاب نویسنده این‌گونه آغاز می‌کند همه ما در عصر ارتباطات و در معرض حجم انبوهی از اطلاعات زندگی می‌کنیم حال سوال مهم این است که آیا به میزان کافی یاد می‌گیریم و خردمندانه‌تر زندگی می‌کنیم؟ به نظر می‌رسد انباشتگی اطلاعات از اشتیاق برای پندآموزی کاسته است؟ کاش به جای خواندن سریع و سطحی مطالب یک کتاب ارزنده آن را چند بار و با مکتب بخوانیم و در آن اندیشه کنیم.

این کتاب شامل مجموعه حکایت‌هایی کوتاه و تاثیرگذار برای مخاطبان خود می‌باشد.

یکی از زیبا ترین حکایت‌های این کتاب از نظر من که در جلد اول آن آمده است

این می باشد:

خداوند از انسان چه می خواهد؟

مهدی جوینی:

خود را ضعیف و کم ندان

تنها در این عالم ندان تو شاهکار خالق

تحقیر را باور نکن

بر روی بوم زندگی

هر چیز می خواهی بکش زیبا و زشتش پای توست

تقدیر را باور نکن

در یکی از شب ها شاگردی در حال عبادت و تضرع بود ناگهان استادش را بالای سرش دید که با تعجب او را نظاره می کند! استاد پرسد: برای چه این همه گریه و زاری می کنی؟ شاگرد گفت: برای طلب بخشش خداوند از گناهانم.

استاد گفت: از تو سوالی دارم؟

هدف تو از پرورش یک مرغ چیست؟

شاگرد گفت: خب معلوم است برای آنکه از گوشت و تخم مرغ آن بهره مند شوم اگر مرغ برایت زاری کند آیا از تصمیم خود منصرف خواهی شد؟

قطعاً نه استاد.

حال اگر مرغ برایت تخم طلا بگذارد آیا باز او را خواهی کشت؟

هرگز نه مطمئناً آن تخم ها برایم با ارزش تر اند.

استاد گفت: تو هم برای خداوند چنین باش همیشه تلاش کن تا با ارزش تر از جسم، گوشت، پوست و استخوانت باشی

تلاش کن تا آنقدر برای انسان ها هستی و کائنات و خداوند مفید و با ارزش شوی

تا لیاقت توجه لطف و رحمت او را بدست آوری خداوند از تو گریه و زاری نمی

خواهد از تو حرکت رشد و تعالی و با ارزش شدن را **می خواهد**

و می پذیرد.